



یودیت هرمان / ترجمه‌ی س. محمود حسینی‌زاد

# این سوی رودخانه‌ی ادر



ناله به تنه‌ی تو  
عاز ریشتم و می‌خنده به من

چون که در آنجا که  
بوی تو در آنجا که  
ناله به تنه‌ی تو  
عاز ریشتم و می‌خنده به من

مجموعه‌ی شعرها  
تألیف و گردآوری: یودیت هرمان  
ترجمه: س. محمود حسینی‌زاد  
مجموعه‌ی شعرها  
تألیف و گردآوری: یودیت هرمان  
ترجمه: س. محمود حسینی‌زاد



www.nour.com  
info@nour.com

ناله به تنه‌ی تو

مؤسسه نشر افق با ناشر اصلی (S. Fischer Verlag, Frankfurt am Main) برای خرید امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی کتاب این سوی رودخانه اُدر -طبق قانون بین‌المللی "حق انحصاری نشر اثر" (Copy Right) - به توافق رسید.

داستان "هیچ جز ارواح" از کتاب Nichts als Gespenster و بقیه‌ی داستان‌ها از کتاب Sommerhaus, später انتخاب و ترجمه شده‌اند.

## فهرست



۵	مقدمه‌ی مترجم.....
۱۳	هیچ جز ارواح.....
۵۱	این سوی رودخانه‌ی اُدر.....
۷۳	مرجان‌های سرخ.....
۹۳	دوربین.....
۱۰۳	پایان چیزی.....



در ایران و نزد کتابخوان ایرانی، ادبیات آلمانی زبان، سرنوشت پر از آب چشمی پیدا کرده است. ادبیاتی است آشنا، چون گوته را می‌شناسیم، شیلر را و هاینه را از کلاسیک‌ها، هسه و مان و کافکا و ریلکه را از متقدمین، برشت و بول و گراس را از متأخرین.

اما از این ادبیات شناختی نداریم، چون یک دنیا نویسنده‌ی طراز اول دارد که اسم‌شان را هم نشنیده‌ایم، فقط باریکه‌ای از رودی پهن را دیده‌ایم. و نیز خیل کسانی که - به هر دلیل - جز ارائه‌ی ترجمه‌های درست - دست به ترجمه‌ی آثار ادبی آلمانی زبان‌ها زده و می‌زنند، و نیز ناشران محترم، فقط با همین هفت، هشت، ده اسم - که از تاریخ فوت بعضی از آن‌ها قرنی می‌گذرد - آشنایی دارند.

مشکل خیلی بزرگ‌تر: این آشنایی مختصر و دست و پا شکسته با ادبیات آلمانی زبان هم به ضرب و زور ترجمه‌هایی است که نه تنها جای

حرف، که جای‌گریه و شیون دارد.

در بازار کتاب آلمان سالیانه حدود ۸۰۰۰۰ عنوان تازه منتشر می‌شود که نزدیک به ۱۰٪ آن، یعنی ۸۰۰۰ جلد، کتاب‌هایی‌اند در حوزه‌ی ادبیات داستانی. در این بازار رقابت، طبیعی است که انتخاب اصلح صورت می‌گیرد و چهره‌هایی می‌مانند که می‌توانند در چارچوب ادبیات بسیار غنی آلمانی زبان، و به تعبیری ادبیات اروپا، جای خود را بیابند.

گونتر گراس، زیگفرد لنتس، مارتین والزر، کریستا وولف - که این سه نفر آخر هم در ایران چهره‌ی اصلاً شناخته شده‌ای نیستند - هم چنان می‌نویسند. اما چند سالی است که نسلی در آلمان و کشورهای آلمانی زبان وارد صحنه‌ی ادبی شده است، با حرف تازه و زبان تازه و موضوع‌های تازه و در ضمن بسیار قابل اعتنا. این نسل فعلاً در ایران کاملاً غریبه است.<sup>۱</sup>

دگرگونی جامعه‌ی آلمان در اوایل دهه‌ی نود میلادی، برجیده شدن دیوار برلین و اتحاد دو آلمان با پیامدهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن، هم دست‌مایه‌ی بسیاری از آثار نسل جوان نویسنده شد و هم سبب شد تا در سال‌های پایانی دهه‌ی نود، ادبیات آلمانی ناگهان همه‌گیر شود، آن هم در هیبتی جوان. این روند در آلمان بر دو کشور آلمانی زبان همسایه، اتریش و سوئیس هم تأثیر خود را گذاشته است.

۱. تلاشی کوچک، ترجمه و انتشار چند داستان کوتاه از چهار نویسنده‌ی این نسل، از جمله یودیت هرمان است در «گذران روز» - ناشر: ماهی. انتشارات افق هم به لطف مدیران و مشاوران قصد پرداختن به این وجه بسیار پربار ادبیات آلمانی زبان را دارد، با همین مجموعه و نیز با ترجمه‌هایی از اووه تیم، پتر اشتام و... که «همتی بدرقه راه...»